

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تحلیف



ABCDEFGHIJKI

خودآموز زبان انگلیسی

TOP NOTCH

جلد اول

(مقدماتی)

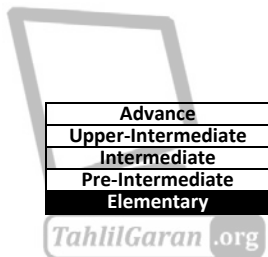
خودآموز زبان انگلیسی

# Top Notch

(مقدماتی)

جلد اول

چاپ دوم - بهار ۱۳۹۱  
گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد



سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: خودآموز زبان انگلیسی Top Notch
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۴؛ ۱۱×۱۷ س.م.
شابک	: دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۱: ۵-۲۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۲: ۲-۲۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۳: ۳-۳۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۴: ۵-۳۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی.
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ج.۱. مقدماتی ج.۲. سطح ۱ ج.۳. سطح ۲ ج.۴. سطح ۳
موضوع	: زبان انگلیسی - کتابهای درسی برای خارجیان - فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی - خودآموز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ خ ۹ م/PE۱۱۲۸
رده بندی دیویی	: فا ۴۲۸/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۹۷۷۷۱

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم، پلاک ۱۸  
واحد ۲ تلفن: ۸۸۷۳۷۱۸  
سایت اینترنت: [www.PersianVi.com](http://www.PersianVi.com)  
پست الکترونیک: [info@PersianVi.com](mailto:info@PersianVi.com)



نام کتاب : خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ - جلد اول  
گردآوری و تألیف : علیرضا معتمد  
چاپ دوم : بهار ۱۳۹۱  
قطع جیبی : ۸۰ صفحه  
شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه  
شابک : ۵-۲۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰  
شبابک دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰  
بها : ۲۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

## مقدمه ناشر :

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی تاپ ناچ، مجموعه ای شامل ۶ سطح (به انضمام کتابهای سامیت) بوده که توسط انتشارات لانگمن جهت آموزش زبان انگلیسی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

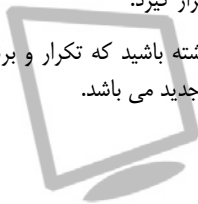
کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید هر درس از کتابهای تاپ ناچ است که در چهار جلد شامل ناپ ناچ مقدماتی، تاپ ناچ سطح ۱، تاپ ناچ سطح ۲ و تاپ ناچ سطح ۳ ارائه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی تاپ ناچ مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

موفق باشید

علیرضا معتمد

موسس و مدیر مسئول



TahlilGaran .org

## فهرست مطالب :

۶	ترکیب جملات زبان انگلیسی ✓ کاربرد ضمائر فاعلی ✓ کاربرد صفت ملکی ✓ ترکیبات سوالی و منفی جملات ✓	Names	درس ۱.
۱۴	this, that کاربرد ✓ what کاربرد ✓	Relationships	درس ۲.
۱۷	where کاربرد ✓	Directions	درس ۳.
۲۰	who کاربرد ✓ how old کاربرد ✓	People	درس ۴.
۲۳	جملات کاربردی در بیان زمان ✓ حروف اضافه زمان و مکان ✓	Events & Times	درس ۵.
۲۸	زمان حال ساده ✓ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی ✓ کاربرد کلمات پرسشی wh ✓	Clothes	درس ۶.
۳۶	حروف اضافه مکان ✓ there is, there are کاربرد ✓ how many کاربرد ✓ a lot of کاربرد ✓	Home & Work	درس ۷.

۴۱	✓ سوم شخص مفرد در حال ساده ✓ تلفظ صحیح S سوم شخص مفرد ✓ کاربرد how often ✓ کاربرد قیده‌های تکرار	Activities	درس ۸
۴۶	✓ زمان حال استمراری ✓ بیان چگونگی آب و هوا	Weather & Activities	درس ۹
۵۱	✓ کاربرد اسامی غیر قابل شمارش ✓ کاربرد a, an, the ✓ کاربرد some, any, a lot ✓ کاربرد many, much	Food	درس ۱۰
۵۶	✓ زمان گذشته ساده ✓ افعال بی قاعده در گذشته ساده ✓ فعل کمکی	Past Events	درس ۱۱
۶۲	✓ کاربرد should	Appearance & Health	درس ۱۲
۶۶	✓ کاربرد can, may ✓ کاربرد enough, too	Abilities & Requests	درس ۱۳
۷۱	✓ کاربرد would ✓ کاربرد will, be going to ✓ کاربرد جملات شرطی حقیقی ✓ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی	Past, Present & Future	درس ۱۴

## Unit 1: Names and Occupations.

### Grammar.

#### ☑ ترکیب جملات زبان انگلیسی :

در زبان انگلیسی ترکیب جملات بصورت **فاعل + فعل + مفعول** می باشد. فاعل شخصی است که کاری را انجام می دهد. مانند **علی** در جمله **علی درس می خواند**. فعل، عمل انجام کار می باشد. مانند **درس می خواند** در جمله **علی درس می خواند**. در خصوص سایر قسمتهای جملات زبان انگلیسی در درسهای آینده بیشتر توضیح خواهیم داد.

#### ☑ کاربرد ضمیر فاعلی:

ضمایر فاعلی بجای فاعل بکار می روند. مثلا بجای **علی درس می خواند** می توانیم بنویسیم **او درس می خواند** در این مثال **او** ضمیر فاعلی است. ضمایر فاعلی عبارتند از :

ا: من You: تو He: او (مرد) She: او (زن) It: او (حیوان ، اشیا)  
We: ما You: شما They: آنها

#### ☑ کاربرد صفت ملکی:

در زبان انگلیسی صفت برای توصیف اسم و قبل از آن قرار می گیرد. مانند **Good Book (کتاب خوب)**

صفت ملکی قبل از اسم قرار می گیرد و مالکیت را بیان می کند.  
مانند **My Book (کتاب من)** همچنین صفت ملکی اسم را محدود کرده و بدون اسم معنی ندارد. صفت‌های ملکی عبارتند از :

My مانند My book (کتاب من)

Your مانند Your book (کتاب تو)

His مانند His book (کتاب او - مرد)

Her مانند Her book (کتاب او - زن)

Its مانند Its color (رنگ آن - اشیا مانند میز)

Our مانند Our book (کتاب ما)

Your مانند Your book (کتاب شما - مانند کتاب تو نوشته می شود)

Their مانند Their book (کتاب آنها)

### ☑ کاربرد فعل to be :

فعل to be به معنی **(هستن)** در ساده ترین ترکیب جملات انگلیسی بکار می رود. این فعل در زمان حال ساده بصورت are , is , am صرف می شود. به عبارتهای زیر دقت نمایید:

am astudent (من دانش آموز هستم)

You are astudent (تو دانش آموز هستی)

He is a student (او - مرد دانش آموز است)

She is a student (او - زن دانش آموز است)

It is a book (آن یک کتاب است)



خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ (مقدماتی)

We are students (ما دانش آموز هستیم)  
 You are students (شما دانش آموز هستید)  
 They are students (آنها دانش آموز هستند)

**توجه :** گاهی اوقات از مخفف جملات فوق استفاده می کنیم.  
مانند:

I'm a student, You're a student, He's a student

### ☑ ترکیبهای سوالی :

به عبارت **He is student** توجه نمایید. در این جمله **He** فاعل و **is** فعل می باشد. در جملاتی که در زمان حال ساده از افعال **am , is , are** استفاده می شود ، برای پرسشی نمودن جمله کافیسست جای فعل و فاعل را عوض کنیم. مثال:

Am I a student? آیا من دانش آموز هستم

Are you a student? آیا تو دانش آموز هستی

Is he a student? آیا او دانش آموز است

Is she a student? آیا او دانش آموز است

Is it a book? آیا آن یک کتاب است

Are we students? آیا ما دانش آموز هستیم

Are they students? آیا آنها دانش آموز هستند

### ☑ ترکیبهای منفی :

در جملاتی که در زمان حال ساده از افعال *am* , *is* , *are* استفاده می شود ، برای منفی نمودن جملات کافیسست واژه *not* را در انتهای فعل قرار دهیم.  
مثال:

*I am not a student. = I'm not a student.*

من دانش آموز نیستم.

*You are not a student. = You aren't a student.*

تو دانش آموز نیستی.

*He is not a student. = He isn't a student.*

او دانش آموز نیست.

*She is not a student. = She isn't a student.*

او دانش آموز نیست.

*It is not a book. = It isn't a book.*

آن یک کتاب نیست.

*We are not students. = We aren't students.*

ما دانش آموز نیستیم.

*They are not students. = They aren't students.*

آنها دانش آموز نیستند.

### ☑ اسامی مفرد و جمع :

تا کنون در جملات خود از اسامی مفرد استفاده نمودیم. مانند **a book** که منظورمان (یک کتاب) است. در زبان انگلیسی

خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ (مقدماتی)

برای جمع بستن اسامی از s (و یا es که در درسهای آتی خواهیم  
آموخت) استفاده می شود. مانند **books** (کتابها)

به مثالهای زیر توجه نمایید:

a pen : یک قلم

pens : قلمها

a note : یک یادداشت

notes : یادداشتهای

a student : یک دانش آموز

students : دانش آموزان



## 📖 Vocabulary.

### athlete:

ath·lete / 'æθli:t/

ورزشکار

someone who competes in sports competitions, especially running, jumping, and throwing

- *a professional athlete*

### actor:

ac·tor / 'æktər/

بازیگر

someone who performs in a play or film

- *She has starred with many leading actors.*

### pilot:

pi·lot / 'paɪlət/

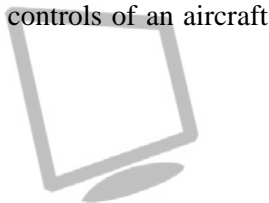
خلبان

someone who operates the controls of an aircraft or spacecraft

- *an airline pilot*
- *a fighter pilot*

### engineer:

en·gi·neer /,endʒɪ'nɪr/



someone whose job is to design or build roads, bridges, machines etc

- *He trained as a **civil engineer** (=one who designs and builds roads, bridges etc).*

### architect:

ar·chi·tect / 'ɑ: rki:tɛkt/

معمار

someone whose job is to design buildings

### chef:

chef /ʃef/

سرآشپز

a skilled cook, especially the main cook in a hotel or restaurant

- *a master chef*

### manager:

man·ag·er / 'mænɪdʒər/

مدیر

someone whose job is to manage part or all of a company or other organization

- *She's now assistant marketing manager for the south east area.*
- *one of our regional managers*

**artist:**

art·ist / 'ɑ:r tɪst/

هنرمند

someone who produces art, especially paintings or drawings

- *an exhibition of paintings by local artists*

**scientist:**

sci·en·tist / 'saɪəntɪst/

دانشمند

someone who works or is trained in science

**lawyer:**

law·yer / 'lɔ:jər/

وکیل

someone whose job is to advise people about laws, write formal agreements, or represent people in court

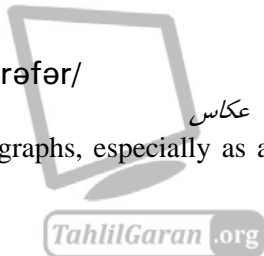
**photographer:**

pho·tog·ra·pher /fə'tɑ:grəfər/

عکاس

someone who takes photographs, especially as a professional or as an artist

- *a fashion photographer*



**Unit 2: Relationships.****Grammar.****☑ کاربرد this / that :**

در زبان انگلیسی برای اشاره به یک شیء نزدیک از **this (این)** و برای اشاره به یک شیء دور از **that (آن)** استفاده می شود. مانند **this book (این کتاب)** و **that pen (آن قلم)** همچنین برای اشاره به اشیای نزدیک از **these (اینها)** و برای اشاره به اشیای دور از **those (آنها)** استفاده می گردد. مانند **these books (این کتابها)** و **those pens (آن قلمها)**

**☑ کاربرد what :**

برای پرسیدن اطلاعات بیشتر در خصوص اشیا از عبارتهای **What is this (این چیست؟)** و **What is that (آن چیست؟)** استفاده می شود.

به مثالهای زیر توجه نمایید:

این چیست؟ **What is this?**

این قلم من است. **It is my pen.**

اینها چه هستند؟ **What are these?**

آنها کتاب هستند. **They are books.**

آنها چه هستند؟ **What are those?**

آنها قلمهای شما هستند. **Those are your pens.**



## 📖 Vocabulary.

### classmate:

class·mate / 'klæsmeɪt/

همكلاس

a member of the same class in a school, college or, in the US, a university

### neighbor:

neigh·bor / 'neɪbər/

همسایه

someone who lives next to you or near you

- *One of the neighbors complained about the noise from the party.*
- *Our **next-door neighbors** (=the people who live in the house next to us) say they'll look after our cat for us while we're away.*

### boss:

boss /bɔ:s/

رئیس

the person who employs you or who is in charge of you at work

- *I'll have to ask my boss for a day off.*



- *Since I'm **my own boss** (=I work for myself, rather than for an employer) , my hours are flexible.*

### colleague:

col·league / 'kali:g/

همکار

someone you work with, used especially by professional people

- *a colleague of mine from the bank*
- *She discussed the idea with some of her colleagues.*



## Unit 3: Directions and Transportation.

### Grammar.

#### ☑ کاربرد where :

در زبان انگلیسی برای پرسیدن مکان اشیاء از عبارت where is it? استفاده می گردد. مثال:

Where is it?

آن کجاست

It's here.

اینجاست

Where is my book?

کتاب من کجاست

It's there.

آنجاست

Where is the bookstore?

کتابفروشی کجاست؟

It's down the street on the left.

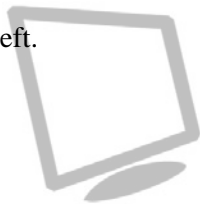
پایین خیابان سمت چپ است.

Where's the post office?

اداره پست کجاست؟

It's next to the bank.

مجاور بانک قرار دارد.



## 📖 Vocabulary.

### pharmacy:

phar·ma·cy / 'fɑ:r məsi /

داروخانه

a shop or a part of a shop where medicines are prepared and sold

- *an all-night pharmacy*

### travel agency:

'travel .agency / 'trævəl eɪdʒənsi /

آژانس مسافرتی

a company that arranges hotel rooms, plane tickets etc for people who want to travel

### newsstand:

news·stand / 'nu:zstænd/

دکه روزنامه فروشی

a place on a street where newspapers and magazines are sold

### convenience store:

con'venience .store /kən'vi:niəns stɔ:r/

خواربار فروشی ۲۴ ساعته

a shop where you can buy food, drink, magazines etc, that is often open 24 hours each day

**bookstore:**

book·store / 'bukstɔ:r/ n

کتابفروشی

a shop that sells books

**mall:**

mall /mɔ:l/

فروشگاه

a large area where there are a lot of shops, usually a covered area where cars are not allowed

- *Let's meet at the mall and go see a movie.*
- *a huge new shopping mall*

**taxi stand:**

tax-i stand / 'tæks stænd / n

ایستگاه تاکسی

a place where taxis or buses stop and wait for passengers

- *There's a taxi stand on Glen Road.*



**Unit 4: People.****Grammar.****کاربرد who :** 

در زبان انگلیسی جهت پرسیدن عنوان شخص مورد نظر کافیت از عبارت **Who is this?** و واژه های متناظر آن استفاده نماییم.  
مثال:

Who is this? این چه کسی است

This is my mother. این مادر من است

Who is that? آن چه کسی است

That is Ali. آن علی است

Who are they? آنها چه کسانی هستند

They are my family. آنها خانواده من هستند

**کاربرد how old :** 

برای پرسیدن سن افراد از عبارت **How old are you?** استفاده می شود. برای پاسخ به این پرسش می توان از هر کدام از عبارتهای **I'm 32.** و **I'm 32 years old.** استفاده نمود.  
مثال زیر کاربردهای دیگر این واژه را نمایش می دهد.

How old are you?

I'm 32. (I'm 32 years old.)

How old is he?

He is 26. (He is 26 years old.)

## 👉 Vocabulary.

### pretty:

pret·ty / 'prɪti/

تا حدی زیبا

a woman or child who is pretty has a nice, attractive face

- *a pretty little girl*
- *Maria looks much prettier with her hair cut short.*

### handsome:

hand·some / 'hænsəm/

خوش قیافه

a man who is handsome looks attractive

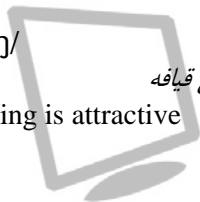
- *an extremely handsome young man*
- *Sam was tall, dark and handsome .*

### good-looking:

.good-'looking /gud lukɪŋ/

خوش قیافه

someone who is good-looking is attractive



**cute:**

cute /kju:t/

جذاب

very pretty or attractive

- *The baby's so cute.*

**grandchild:**

**grandson:**

**granddaughter:**

grand·child / 'græntʃ aɪld/

نوه

the child of your son or daughter



## Unit 5: Events and Times.

### Grammar.

#### ☑ جملات کاربردی در بیان زمان :

در زبان انگلیسی برای پرسیدن ساعت، عبارت *what time is it?* بکار می رود. برای اعلان ساعت نیز از دستور العمل زیر استفاده می شود :

۱ - زمانیکه عقربه بزرگ روی ۱۲ باشد از الگوی *It is x o'clock*

استفاده می کنیم. مانند *It is one o'clock* (ساعت یک است)

۲ - زمانیکه عقربه بزرگ بر روی ۱۵ دقیقه باشد از الگوی

*It is a quarter past x* استفاده می کنیم. مانند

*It is a quarter past one* (ساعت یک و ربع است)

۳ - زمانیکه عقربه بزرگ بر روی ۴۵ دقیقه باشد از الگوی

*It is a quarter to x* استفاده می کنیم. مانند

*It is a quarter to two* (ساعت یک ربع به دو است)

**توجه :** بجای ساعت ۱۲ ظهر می توان از عبارت *It is noon.* و

بجای ساعت ۱۲ نیمه شب می توان از عبارت *It is midnight.*

استفاده نمود.

**توجه :** برای بیان ساعت قبل از ظهر از AM و بعد از ظهر از PM

استفاده می شود. مانند:

*It is 8:00 PM* (ساعت ۸ بعد از ظهر است)



### ✓ حروف اضافه زمان :

در زبان انگلیسی حرف اضافه in برای قسمتی از روز و همچنین قبل از ماه، سال و فصل بکار می رود. مانند:

in the morning, in the afternoon, in the evening,  
in January

حرف اضافه at برای مقاطع زمانی از قبیل شب، نیمه شب، ظهر، سپیده دم و ... بکار برده می شود. مانند:

at night, at midnight, at noon, at dawn,  
at midday, at sunrise

**توجه :** حرف اضافه زمانهایی که با ساعت نمایش داده می شود at است. مانند:

at 11 AM

### ✓ حروف اضافه مکان :

حروف اضافه in و at برای مکانها (عموما سرپوشیده) بکار می رود.

She is in a hospital.

او در یک بیمارستان است

They are in an office.

آنها در یک دفتر هستند

**توجه :** چنانچه عبارتهای *at home* و *at work* و *at school* و ... به معنی انجام دادن فعالیت در محل باشد (مانند کارکردن ، سر کار بودن) بدون ذکر *a* و *an* ، حرف اضافه *at* بکار برده می شود. در غیر اینصورت چنانچه منظور از جمله، قرار گرفتن در موقعیت مکانی باشد از *in* استفاده می شود.  
مثال :

She works at home. او در خانه کار می کند.

They work at school. آنها در مدرسه کار می کنند.

I am at work. من سر کار هستم.

**توجه :** حرف اضافه *on* قبل از اسامی خیابانها بکار می رود. مانند:  
On Gandhi street



## 👉 Vocabulary.

### a movie:

mov·ie / 'mu:vi/

فیلم سینمایی

a film made to be shown at the cinema or on television

- *Do you want to **see a movie** tonight?*
- *Maybe we'll **go to a movie** .*

### a play:

play /pleɪ/

نمایش، نمایشنامه

a story that is written to be performed by actors, especially in a theatre

- *a play by Chekhov*
- *Eliot wrote plays as well as poetry.*

### a concert:

con·cert / 'kɑ:nsərt/

کنسرت

a performance given by musicians or singers

- *live concert performances*
- *a concert of French choral music*

**party:**

par·ty / 'pa:rti/

جشن (مانند جشن تولد) ، میهمانی

a social event when a lot of people meet together to enjoy themselves by eating etc

- We're **having** a birthday **party** on Saturday. *Would you like to come?*

**game:**

game /geɪm/

مسابقه، بازی

an activity or sport in which people compete with each other according to agreed rules

- *Did you see the game on TV last night?*

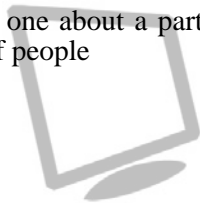
**speech:**

speech /spi:tʃ/

سخنرانی

a talk, especially a formal one about a particular subject, given to a group of people

- *a campaign speech*



**Unit 6: Clothes.****Grammar.****☑ زمان حال ساده:**

در زبان انگلیسی برای بیان حقایق و یا امور روزمره و روتین از زمان حال ساده استفاده می شود. مثلاً جمله **من انگلیسی می خوانم** به معنی خواندن زبان انگلیسی بصورت روزمره و تکراری می باشد و یا جمله **در فصل تابستان زمین گرم می شود** به مفهوم بیان حقایق در خصوص فصلها است.

ساختار جملات زمان حال ساده بصورت زیر می باشد:

**(مفعول یا سایر ترکیبهای مکمل) + فعل + فاعل**

به مثال زیر توجه نمایید :

I Speak English.

You Speak English.

I , You فاعل جملات و Speak فعل و English مفعول می باشد.

**☑ ترکیبهای سوالی زمان حال ساده :**

جهت بیان جملات پرسشی در زمان حال ساده کافیسست نخست جای فعل و فاعل را با هم عوض کرده و به ابتدای جمله Do و Does (برای سوم شخص مفرد) اضافه نماییم. به Do و Does

افعال کمکی گفته می شود که در درسهای آتی در مورد آنها بیشتر خواهیم آموخت.

توجه نمایید که با اضافه نمودن **Does** به جملات سوم شخص مفرد، **s** (و یا **es** در برخی حالتها) از انتهای فعل اصلی حذف می گردد. مثال:

I speak English.  
Do I speak English?

He speaks English.  
Does he speak English?

### ☑ ترکیبهای منفی زمان حال ساده:

برای ساختن جملات منفی در زمان حال ساده کافیسست واژه **do not** را مابین فاعل و فعل اصلی اضافه نماییم. توجه داشته باشید که در جملات سوم شخص مفرد از **does not** استفاده می شود. مثال:

I speak English.  
I do not speak English.

He speaks English.  
He does not speak English.



### ☑ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی :

در پاسخ کوتاه به جملات پرسشی زمان حال ساده می توان از ترکیبهای زیر استفاده نمود:

Do you speak English?  
Yes, I do.  
Does she speak English?  
Yes, she does.

Do you speak English?  
No, I do not.  
Does she speak English?  
No, she does not.

توجه داشته باشید که بجای do not می توان از مخفف آن don't و بجای does not از مخفف آن doesn't استفاده نمود:

Do you speak English?  
No, I don't.  
Does she speak English?  
No, she doesn't.

### ☑ کاربرد who :

who به معنی (چه کسی) زمانی بکار می رود که فاعل جمله مورد سوال قرار گیرد. مثال :

Ali has a green coat. علی کت سبز دارد.

Who has a green coat? چه کسی کت سبز دارد?

برای ساختن جملات پرسشی با **who** کافیسست فاعل را حذف نموده و بجای آن **who** را جایگزین نماییم. توجه داشته باشید که در جملات پرسشی با **who** ساختار جمله تغییر نمی کند.  
مثال :

Who has a green coat? چه کسی کت سبز دارد?

The teacher has a green coat. (همان) معلم کت سبز دارد.

Who is your best friend? چه کسی بهترین دوست تو است?

Ali is my best friend. علی بهترین دوست من است.

### ☑ کاربرد what :

**what** به معنی (چه چیز) زمانی بکار می رود که بخواهیم در مورد چیزی اطلاعات بیشتری بدست آوریم. برای ساختن جملات پرسشی با **what** کافیسست **what** را به ابتدای جمله آورده ، جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل نماییم. مثال :

What are you wearing? چه چیزی پوشیدی?

I'm wearing a coat. من یک کت پوشیدم.

What is that? آن چیست?

That's a computer. آن یک کامپیوتر است.



## ☑ کاربرد when :

when به معنی (چه وقت) زمانی بکار می رود که بخواهیم در خصوص زمان انجام فعالیت پرسش نماییم. برای ساختن جملات پرسشی با when کافیست when را به ابتدای جمله آورده ، جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل نماییم. مثال :

When do we eat lunch? کی نهار می خوریم

We eat lunch at noon. ظهر نهار می خوریم

When did you go to Tehran? کی به تهران رفتی

I went Tehran last year. سال گذشته به تهران رفتم

When are you going to go France?

کی قصد داری به فرانسه بروی

I am going to go France next year.

سال آینده به فرانسه خواهم رفت

## ☑ کاربرد where :

where به معنی (کجا) زمانی بکار می رود که بخواهیم در خصوص محل انجام فعالیتی پرسش نماییم. برای ساختن جملات پرسشی با where کافیست where را به ابتدای جمله آورده ،

جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل نماییم. مثال :

Where is the coat? کت کجاست

It's in the hall. آن در هال است.

Where is your pen? قلم شما کجاست

My pen is on the table. قلم من روی میز است.

Where are they from? آنها اهل کجا هستند

They are from Iran. آنها اهل ایران هستند.

### ☑ کاربرد which :

which به معنی (کدام) زمانی بکار می رود که بخواهیم بین چند چیز پرسشی را مطرح نماییم. برای ساختن جملات پرسشی با which کافیت which را به ابتدای جمله آورده ، جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل نماییم. مثال :

Which chair do you want? کدام صندلی را می خواهید

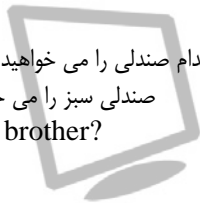
I want the green chair. صندلی سبز را می خواهم.

Which one of them is your brother?

کدام یک از آنها برادر تو است

The tall one is my brother.

آن بلند قده برادر من است



## 👉 Vocabulary.

### shirt:

shirt /ʃə:rt/

پیراهن

a piece of clothing that covers the upper part of your body and your arms, usually has a collar, and is fastened at the front by buttons

- *I have to wear **a shirt and tie** to work.*

### sweater:

sweat·er / 'swetər/

پلوور، ژاکت

a piece of warm wool or cotton clothing with long sleeves, which covers the top half of your body

### jacket:

jack·et / 'dʒækɪt/

کت کوتاه و سبک

a short, light coat

- *a leather jacket*

### dress:

dress /dres/



a piece of clothing worn by a woman or girl that covers the top of her body and part or all of her legs

- *Sheila wore a long red dress.*

### **blouse:**

blouse /blaus/

بلوز زنانه

a shirt for women

- *a silk blouse*

### **pants:**

pants /pænts/

شلوار

a piece of clothing that covers you from your waist to your feet and has a separate part for each leg

- *She was wearing dark blue pants and a white sweater.*

### **suit:**

suit /su:t/

کت و شلوار، کت و دامن

a set of clothes made of the same material, usually including a jacket with trousers or a skirt

- *a business suit*

**Unit 7: Home and Work.****Grammar.****☑ حروف اضافه مکان :**

همانگونه که در درسهای گذشته ذکر شد، حرف اضافه in برای مکانهایی که عموماً سرپوشیده باشند بکار می رود. مانند:

in a hospital  
in an apartment

همچنین از حرف اضافه on قبل از نام خیابان استفاده می شود.  
مانند:

on Gandi Street  
on street

**توجه :** در آدرسهای دقیق از حرف اضافه at استفاد می شود.  
مانند:

I live at 18 Gandi Street.

من در خیابان گاندی ساختمان شماره ۱۸ زندگی می کنم.

سایر حروف اضافه مکان عبارتند از across (در آن طرف)،  
around (در اطراف)، about (در حدود)، between (میان)،  
opposite (مقابل)، inside (داخل)، outside (خارج) و ...

### ☑ کاربرد **there is / there are** :

برای بیان اطلاعات بیشتر در خصوص چیزی از **there is** همراه با اسامی مفرد و **there are** همراه با اسامی جمع استفاده می‌کنیم. مثال :

There is one living room in my house.

در منزل من یک اتاق نشیمن هست

There are two living rooms in your house.

در منزل شما دو اتاق نشیمن هست

Is there a bedroom in your house?

آیا در منزل شما اتاق خوابی هست

Yes, there is. بله هست

No, there isn't. نه نیست

### ☑ کاربرد **How many** :

برای پرسیدن تعداد اشیایی که قابل شمارش هستند از عبارت **How many** استفاده می‌شود. مثال :

How many pens do you have? شما چند تا قلم دارید?

توجه نمایید که در این عبارت **pen** بصورت جمع (**pens**) نوشته می‌شود. پاسخ این سوال می‌تواند بصورت زیر باشد:

I have two pens.

I have one pen.

## ☑ کاربرد a lot of :

عبارت a lot of به معنی (خیلی و تعداد زیادی) ، قبل از اسامی شمارشی و غیر شمارشی (در درسهای آتی با اسامی شمارشی و غیر شمارشی بیشتر آشنا خواهیم شد) بکار می رود. این عبارت ماقبل اسامی می آید که تعداد بالای ۱۰ عدد از آن مد نظر باشد.  
مثال :

a lot of books. تعداد زیادی کتاب

عبارت a few به معنی (چندتایی) قبل از اسامی شمارشی بکار می رود. این عبارت ماقبل اسامی می آید که تعداد آن در حد ۲ یا ۳ عدد مد نظر باشد. مثال :

a few books. چند تایی کتاب



## 👉 Vocabulary.

### upstairs:

up·stairs /,ʌp'steɪz/

طبقه فوقانی

towards or on an upper floor in a building

- *I went upstairs and had a shower.*
- *She's upstairs in bed feeling ill.*

### downstairs:

down·stairs /,daʊn'steɪz/

طبقه پایین

towards or on a lower floor of a building, especially a house

- *Rosie ran downstairs to answer the door.*
- *Charles was downstairs in the kitchen.*

### bathroom:

bath·room / 'bæθru:m/

حمام و دستشویی

a room where there is a bath or shower, a basin, and sometimes a toilet

- *Can you tell me where the bathroom is?*
- *I really need to **go to the bathroom** (=use a toilet)*



**living room:**

'living room / 'lɪvɪŋ ru:m/

اطلاق نشیمن

the main room in a house where people relax, watch television etc

**bedroom:**

bed·room / 'bedru:m/

اطلاق خواب

a room for sleeping in

**closet:**

clos·et / 'kla:zɪt/

کمد لباس

a cupboard built into the wall of a room from the floor to the ceiling

**dining room:**

'dining room / 'dɪnɪŋ ru:m /

اطلاق نهار خوری

a room where you eat meals in a house or hotel

**kitchen:**

kitch·en / 'kɪtʃɪn/

## Unit 8: Activities.

### Grammar.

#### ☑ سوم شخص مفرد در زمان حال ساده :

همانطور که در درسهای گذشته ذکر شد ، افعال سوم شخص در زمان حال ساده با اضافه شدن s (و یا es) به انتهای آنها صرف می شوند. مانند She works (او کار می کند)  
زمانی که انتهای افعال سوم شخص به s , x , o , z , ch , sh ختم شود ، به انتهای آن es اضافه می گردد. مثال:

wash ► washes

teach ► teaches

dress ► dresses

fix ► fixes

زمانیکه انتهای افعال سوم شخص به y ختم شود ، y حذف گشته و بجای آن ies به انتهای فعل اضافه می شود. مثال :

cry ► cries

try ► tries

study ► studies

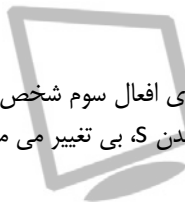
worry ► worries

اگر انتهای افعال سوم شخص به ay , oy , uy ختم شود ، هنگام اضافه شدن s، بی تغییر می مانند. مثال :

stay ► stays

buy ► buys

enjoy ► enjoys



### ☑ تلفظ صحیح S در اسامی جمع و سوم شخص افعال :

**قانون اول:** اگر لغتی به یکی از اصوات (/p/ /t/ /k/ /f/) ختم شود، S بصورت /s/ تلفظ می گردد. مثال:  
cups, cats, breaks, stops

**قانون دوم:** اگر لغتی به یکی از اصوات (/s/ /z/ /ʃ/ /tʃ/ /dʒ/) ختم شود، S بصورت /ɪz/ تلفظ می گردد. مثال:

buses, lunches, raises, brushes, pushes, bridges

**قانون سوم:** اگر لغتی به یکی از حروف صدادار مانند (a, e, l, o, u و گاهی اوقات y) و یا یکی از حروف صامت که تلفظ آن با ارتعاش حنجره همراه است، مانند (/b/ /d/ /v/ /ʒ/ /g/ /z/ /dʒ/ /n/ /m/ /ŋ/) ختم شود، S بصورت /z/ تلفظ می گردد. مثال:

trees, days, shoes, flies, games, heads, trains, songs

### ☑ کاربرد how often :

در زبان انگلیسی برای پرسیدن تکرار کاری از عبارت How often استفاده می گردد. مثال :

How often do you work? هر چند وقت یکبار کار می کنی

I always work. من همیشه کار می کنم

### ☑ کاربرد قید تکرار:

قیود تکرار در زمان حال ساده برای نشان دادن تکراری بودن عملی بکار می رود. مهمترین قیود تکرار عبارتند از:

always : به معنی همیشه - ۱۰۰٪ مواقع

usually : به معنی اغلب - ۹۰٪ مواقع

often : به معنی گاهی - ۸۰٪ مواقع

sometimes : به معنی بعضی وقتها - ۵۰٪ مواقع

rarely / seldom : به معنی به ندرت - ۱۰٪ مواقع

never : به معنی هیچوقت - ۰٪ مواقع

**توجه :** قید تکرار همیشه قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی (مانند am , is , are) بکار می رود. مثال:

I always speak English. من همیشه انگلیسی صحبت می کنم

She is usually beautiful. او اغلب زیبا است

**توجه :** قید تکرار usually و sometimes می تواند در ابتدای جمله نیز قرار گیرد. مثال:

Sometimes I work in an office.

بعضی وقتها در یک دفتر کار می کنم.

Usually he works in a store.

اغلب او در یک مغازه کار می کند.

## 👉 Vocabulary.

### get up:

get up /get ʌp/

برخواستن

to rise from bed

### get dressed:

get dressed / get drest/

لباس پوشیدن

to put your clothes on

- *Go and get dressed!*

### brush:

brush /brʌʃ/

مسواک زدن، برس زدن

to clean something or make something smooth and tidy using a brush

- *Don't forget to brush your teeth.*

### shave:

shave /ʃeɪv/

تراشیدن، اصلاح کردن

to cut off hair very close to the skin, especially from the face, using a razor

- *He hadn't shaved for days.*

**makeup:**

'make-up / 'meɪkʌp/

آرایش، گریم

coloured substances that are put on your face to improve or change your appearance

- *I don't usually **wear** much **make-up** .*
- *I'm just **putting** my **make-up on** , then I'll be ready.*

**get undressed:**

get undressed / get ʌndrest/

لباس از تن بیرون آوردن

not wearing any clothes

- *He started to **get undressed** (=to take his clothes off) .*

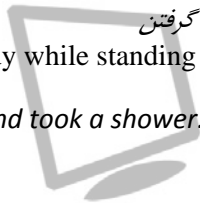
**take a shower:**

take a show·er / teɪk ə ʃaʊə/

دوش گرفتن

an act of washing your body while standing under a shower

- *Nick rolled out of bed and took a shower.*



## Unit 9: Weather and Ongoing Activities.

### Grammar.

#### ☑ زمان حال استمراری :

فعل حال استمراری رویدادی است که در زمان حاضر در حال وقوع بوده و همچنین تکرار پذیر باشد. مثال :

هم اکنون من دارم سیگار می کشم. I am smoking now.

جمله فوق استمرار سیگار کشیدن در حال حاضر را نشان می دهد. در حالیکه جمله I smoke a cigarette به مفهوم عادت سیگار کشیدن است. (من کلا سیگار می کشم.)  
ساختار جملات حال استمراری بصورت زیر می باشد:

**ing + فعل اصلی + am, is, are + فاعل**

مثال:

It is raining. = (It's raining.) باران در حال باریدن است

The sun is shining. خورشید در حال درخشیدن است

It is snowing. = (It's snowing.) برف در حال باریدن است

**توجه :** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال استمراری، کافیهست پس از افعال am, is, are از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن am, is, are به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال :

The sun is not shining.

Is it raining?

**توجه:** اگر انتهای فعل به e ختم شود، هنگام اضافه شدن ing به آن، e حذف می شود. مانند:

write ► writing

**توجه:** اگر انتهای فعل به حرف بی صدا ختم شود و ماقبل آن حرف صدادار قرار داشته باشد، هنگام اضافه شدن ing به فعل، حرف بی صدا تکرار می شود. مانند:

run ► running

**توجه:** افعال حسی که بدون قصد و اراده انجام می شوند، معمولاً بصورت حال استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند. مهمترین این افعال عبارتند از:

want, need, like, hate, see, feel, know, seem, mean, ...

مثال:

I feel cold.

I see her.

### ☑ بیان چگونگی آب و هوا:

عبارت How is the weather به معنی (هوا چطور است) معمولاً برای آغاز مکالمات روزمره بکار می رود. جهت بیان دمای هوا می توان از لغت‌های زیر استفاده نمود:



Hot : داغ - دمای حدود ۴۰ درجه  
 Warm : گرم - دمای حدود ۲۵ درجه  
 Cool : سرد - دمای حدود ۱۰ درجه  
 Cold : یخ - دمای حدود صفر درجه  
 مثال :

How is the weather? هوا چطور است؟

It is warm. هوا گرم است

### ☑ کاربرد what are you doing :

در زبان انگلیسی جهت پرسیدن فعالیتی که در حال حاضر انجام می‌گیرد از عبارت **What are you doing?** استفاده می‌کنیم. طبیعی است که این عبارت و پاسخ متناظر آن می‌بایست در زمان حال استمراری بیان گردد. مثال:

What are you doing now?

داری چکار می‌کنی؟

I am reading my book.

دارم کتابم را می‌خوانم



## 👉 Vocabulary.

### cloudy:

cloud·y / 'klaudi/

ابری

a cloudy sky, day etc is dark because there are a lot of clouds

- *a cloudy night with some light rain*
- *Tomorrow, it will be cloudy and cool.*

### sunny:

sun·ny / 'sʌni/

آفتابی

having a lot of light from the sun

- *a warm sunny day*
- *I hope **it's sunny** tomorrow.*

### windy:

wind·y / 'wɪndi/

پر باد

if it is windy, there is a lot of wind

- *It's too windy for a picnic.*
- *a cold, windy day*



### raining:

raining /reɪnɪŋ/

در حال بارش باران

if it rains, drops of water fall from clouds in the sky

- *Outside it was still raining.*
- *It is raining very hard.*

### snowing:

snowing / snəʊɪŋ/

در حال بارش برف

if it snows, snow falls from the sky

- *It snowed all night.*
- *It **started snowing** around five.*



## Unit 10: Food.

### Grammar.

#### ☑ کاربرد اسامی غیر قابل شمارش:

اسامی شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش هستند. مانند کتاب ، میز . اسم جمع این اسامی با s ( و یا es ) همراه می باشد. مانند **books , tables**

اسامی غیر شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش نیستند. مانند آب، نمک، حبوبات و ...

اسامی غیر شمارشی بصورت مفرد در جمله ظاهر می شوند و هنگامی که بخواهیم اسامی غیر شمارشی را بصورت جمع در جمله بکار ببریم از عبارتهایی نظیر قطعه ، لیوان ، کیلو و ... بسته به نوع اسم استفاده می کنیم.

مثال :

two glasses of water دو لیوان آب

two kilos of rice دو کیلو برنج

three pieces of bread سه تکه نان

از مهمترین اسامی غیر قابل شمارش مایعات ، پودر ، حبوبات ، گوشت و ... می باشد. مثال :

milk, cola, tea, coffee, water  
flour, salt, sugar, rice, pepper  
beef, lamb, chicken, fish

## ☑ کاربرد a / an / the :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدید قبل از اسامی مفرد از a و an استفاده می کنیم. هنگامی که این اسامی به شیء بخصوصی اشاره نماید از the استفاده می گردد. مثلا **a book** (یک کتاب) و **the book** (کتاب مورد نظر)

**توجه :** برای اسامی جمع نیز می توان از the هنگامی که به اشیای خاصی اشاره می شود، استفاده نمود. مانند **the books** (کتابهای مورد نظر)

**توجه :** در اسامی جمع غیر شمارشی که با S و es همراه نیستند، نیز می توان از the هنگامی که به اشیای خاصی اشاره می کنند استفاده نمود. مانند **the water** مثال :

Water is cold. آب (بطور کلی)خنک است

The water in my glass is cold.

آبی که در لیوان من است خنک می باشد

Rice is white. برنج سفید است

The rice in my plate is white.

برنجی که در بشقاب من است سفید می باشد

### ☑ کاربرد some / any / a lot of :

some به معنی (تعدادی) و any به معنی (هیچی) و a lot of به معنی (خیلی) برای اسامی شمارشی و غیر شمارشی بکار برده می شوند. مثال :

I have some apples.  
I have some water.

I have a lot of apples.  
I have a lot of water.

I don't have any apples.  
I don't have any water.

### ☑ کاربرد many / much :

many به معنی (تعداد زیاد) تنها قبل از اسامی شمارشی می آید. مانند many books (تعداد زیادی کتاب)  
much به معنی (مقدار زیاد) تنها قبل از اسامی غیر شمارشی می آید. مانند much water (مقدار زیادی آب)  
مثال :

I have many apples.  
I have much water.

## 📖 Vocabulary.

### lemon:

lem·on / 'lemən/

لیمو ترش

a fruit with a hard yellow skin and sour juice

- *a slice of lemon*
- *Add a few drops of lemon juice.*

### tomato:

to·ma·to /tə'mertou/

گوجه فرنگی

a round soft red fruit eaten raw or cooked as a vegetable

- *tomato juice*

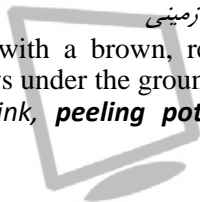
### potato:

po·ta·to /pə'tertou/

سیب زمینی

a round white vegetable with a brown, red, or pale yellow skin, that grows under the ground

- *Marie stood at the sink, **peeling potatoes** (=cutting off the skin) .*



**pepper:**

pep·per / 'pepər/

فلفل

a powder that is used to add a hot taste to food

**bean:**

bean /bi:n/

لوبیا

a seed or a pod (=case containing seeds) , that comes from a climbing plant and is cooked as food. There are very many types of beans.

- *baked beans*
- *green beans*

**pea:**

pea /pi:/

نخود فرنگی

a round green seed that is cooked and eaten as a vegetable, or the plant on which these seeds grow

**juice:**

juice /dʒu:s/

آب میوه

the liquid that comes from fruit and vegetables, or a drink that is made from this

- *a carton of orange juice*



**Unit 11: Past Events.****Grammar.****☑ زمان گذشته ساده :**

زمان گذشته ساده برای بیان فعلی استفاده می شود که در گذشته اتفاق افتاده و خاتمه پیدا کرده باشد. مثال :

I worked yesterday. من دیروز کار کردم.

ساختار زمان گذشته ساده بصورت زیر می باشد:

**گذشته فعل اصلی + فاعل**

**توجه :** افعال با قاعده با افزودن ed به انتهای آنها به فعل گذشته ساده تبدیل می گردند. مانند :

rain ► rained

work ► worked

**توجه :** زمانیکه انتهای فعل به e ختم شده باشد، برای ساختن زمان گذشته فعل ، افزودن d به انتهای آن کافی می باشد. مثال :

exercise ► exercised

**توجه :** زمانیکه انتهای فعل به y ختم شده باشد و قبل از y حرف صدادار وجود نداشته باشد، y حذف شده و بجای آن ied قرار می گیرد. مانند :

study ► studied

**توجه :** زمانیکه انتهای فعل به **y** ختم شده باشد و قبل از **y** حرف صدادار وجود داشته باشد، گذشته فعل بصورت عادی **yed** نوشته می شود. مانند :

play ► played

**توجه :** اگر انتهای فعل به حروف صدا دار ختم نشود ولی ماقبل آن حرف صدا دار باشد، هنگام اضافه شدن **ed** حرف آخر تکرار می شود. مانند :

stop ► stopped

### ☑ افعال بی قاعده در گذشته ساده:

افعال بی قاعده در زمان گذشته ساده با اضافه نمودن **ed** به انتهای آنها ساخته نشده و ساختار فعل عوض می شود. مثال :

go ► went :

I went to school. من به مدرسه رفتم.

فهرست مهمترین افعال بی قاعده به همراه گذشته آنها عبارتند از:

do ► did انجام دادن

have ► had داشتن

go ► went رفتن

come ► came آمدن

drive ► drove رانندگی کردن

eat ► ate خوردن



خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ (مقدماتی)

- fly ► flew پرواز کردن  
 get ► got بدست آوردن  
 give ► gave دادن  
 leave ► left ترک کردن  
 ride ► rode سوار شدن  
 say ► said گفتن  
 see ► saw دیدن  
 sit ► sat نشستن  
 stand ► stood ایستادن  
 take ► took گرفتن – بردن

### ☑ ترکیبهای مختلف جملات زمان گذشته ساده :

همانطور که گفته شد ساختار جملات گذشته ساده بصورت  
**فاعل + گذشته فعل اصلی** می باشد. جملات پرسشی گذشته  
 ساده با افزودن **did** به ابتدای جمله و تبدیل فعل اصلی به وضعیت  
 حال ساده ساخته می شوند. مانند:

Did you come home?

جملات منفی گذشته ساده نیز با افزودن **didn't** ماقبل فعل اصلی  
 و تبدیل فعل اصلی به وضعیت حال ساده ساخته می شوند. مانند:

I didn't come home.

### ☑ فعل کمکی :

به افعالی از قبیل did فعل کمکی گفته می شود. این افعال جهت ساختن زمانهای مختلف بکار رفته و به تنهایی معنایی ندارند.

**توجه :** همانطور که گفته شد همیشه از فعل کمکی did در ابتدای جمله برای ساختن جملات پرسشی و از فعل کمکی didn't ماقبل فعل اصلی برای ساختن جملات منفی استفاده می شود.

زمانیکه فعل اصلی جمله از ترکیبات be (was / were) باشد، جملات پرسشی و منفی بدون استفاده از did و didn't و بصورت زیر نوشته می شوند:

I was at school. من در مدرسه بودم.

I was not at school. من در مدرسه نبودم.

Was I at school? آیا من در مدرسه بودم?



## 👉 Vocabulary.

### beach:

beach /bi:tʃ/

ساحل دریا، شن زار

an area of sand or small stones at the edge of the sea or a lake

- *go to the beach*
- *a sandy beach*

### running:

run·ning /'rʌnɪŋ/

دو، دویدن

the activity or sport of running

Did you **go running** this morning?

running shoes

### bike riding:

bike rid·ing /baɪk raɪdɪŋ/

دوچرخه سواری

to ride a bicycle

- *go bike riding*
- *Let's go for a bike ride .*



**(go for a) walk:**

walk /wɔ:k/

پیاده روی

a journey that you make by walking, especially for exercise or enjoyment

- *Let's **go for a walk** . I could do with some fresh air.*

**swimming:**

swim·ming / 'swɪmɪŋ/

شنا

the sport of moving yourself through water using your arms and legs

- *We **went swimming** on Saturday.*
- *a swimming club*

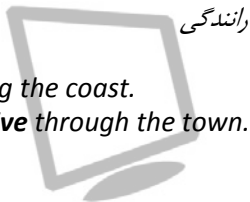
**drive:**

drive /draɪv/

رانندگی

a journey in a car

- *Let's **go for a drive** along the coast.*
- *Taylor **took me for a drive** through the town.*



**Unit 12: Appearance and Health.****Grammar.****☑ کاربرد should :**

should به مفهوم **(بهتر است که ...)** جهت بیان و درخواست

نصایح، راهنمایی و پیشنهاد در جملات بکار می رود. مثال :

I am tired. I should go to bed .

خسته هستم. بهتر است که به تختخواب بروم

My mother is ill. She should not go to work .

مادرم بیمار است. بهتر است که به سرکار نرود

should فعل کمکی بوده و برای ساختن ترکیبهای منفی می

بایست not را به should اضافه کنیم. همچنین با آوردن

should به ابتدای جملات می توان آنها را سوالی نمود.

You should not go to school today.

Should I see a doctor?

**توجه :** هنگامی از should در زمان گذشته استفاده می کنیم که

منظورمان عملی باشد که باید در گذشته اتفاق افتاده و رخ نداده

است. در این حالت گذشته should بصورت

**should have + قسمت سوم** فعل نوشته می شود. مثال:

You should have listened to your wife.

تو می بایست به حرف همسرت گوش می کردی ( ولی گوش نکردی)

## 👉 Vocabulary.

### headache:

head·ache / 'hedeɪk/

سر درد

a pain in your head

- *I **had a** really bad **headache** , and couldn't go to work.*

### stomachache:

stom·ach·ache / 'stʌmək-eɪk/

معده درد

pain in your stomach or near your stomach

### earache:

ear·ache / 'ɪreɪk/

گوش درد

a pain inside your ear

- *I've got terrible earache and a sore throat.*

### backache:

back·ache / 'bækeɪk/

کمر درد

a pain in your back





## toothache:

tooth·ache / 'tu:θ-eɪk/

دندان درد

a pain in a tooth

- *I've got toothache .*
- *I had **terrible toothache** all last night.*

## cold:

cold /kəʊld/

سرماخوردگی، زکام

a common illness that makes it difficult to breathe through your nose and often makes your throat hurt

- ***I've got a bad cold .***
- *Keep your feet dry so you don't **catch a cold** (=become ill).*

## sore:

sore /sɔːr/

زخم، درد، سوزش

a part of your body that is sore is painful, because of infection or because you have used a muscle too much

- *I had a **sore throat** and aching limbs.*

**fever:**

fe·ver / 'fi:vər/

تب

an illness or a medical condition in which you have a very high temperature

- *Andy **has a fever** and won't be coming into work today.*
- *She's **running a fever** (=has a fever) .*

**cough:**

cough /kɔ:f/

سرفه، سرفه کردن

to suddenly push air out of your throat with a short sound, often repeatedly

- *Matthew coughed and cleared his throat.*
- *I think I'm getting a cold or flu - I've been coughing and sneezing all day.*

**runny nose:**

run·ny nose / 'rʌni nouz/

آبریزش بینی

a runny nose, runny eyes etc have liquid coming out of them, usually because you have a cold

**Unit 13: Abilities and Requests.****Grammar.****☑ کاربرد can در جملات پرسشی مودبانه :**

can در جملات پرسشی جهت کسب اجازه بکار می رود. مثال :

Can I eat at the airport? می توانم در فرودگاه غذا بخورم ؟

Yes, you can. بله - می توانید

Can't I eat at the airport? آیا نمی توانم در فرودگاه غذا بخورم ؟

No, you can't. خیر - نمی توانید

Can we leave the bus station now?

آیا می توانیم حالا ایستگاه اتوبوس را ترک کنیم؟

Yes, we can leave now

بله حالا می توانیم (اینجا را) ترک کنیم.

could نیز در جملات پرسشی جهت کسب اجازه بکار می رود و

رسمی تر از can می باشد. مثال :

Could I buy three tickets to Tehran?

آیا ممکن است سه بلیط برای تهران بخرم

No, there are no ticket.

خیر - بلیطی موجود نمی باشد

Could I go with you to meet Ali in the station?

ممکن است برای دیدن علی باشما به ایستگاه بیایم

Yes, you can.

### ☑ کاربرد may :

may نیز در جملات پرسشی جهت کسب اجازه بکار می رود و مانند could بسیار رسمی می باشد. مثال :

May I get some information here?

ممکن است اینجا قدری اطلاعات بگیریم

Yes, of course.

بله - حتما

### ☑ کاربرد can در بیان توانایی:

can برای بیان توانایی نیز در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

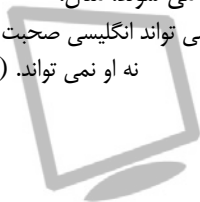
I can play the guitar. من می توانم گیتار بنوازم

I can speak English. می توانم به انگلیسی صحبت کنم.

**توجه :** جهت بیان جملات منفی می توان not را به can اضافه نمود. همچنین جملات پرسشی با آوردن can به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال:

Can he speak English? آیا او می تواند انگلیسی صحبت کند؟

No, He can't. (= he cannot.) نه او نمی تواند.



### ☑ کاربرد enough :

enough قبل از صفت به معنی (به اندازه کافی) بوده و به جمله مفهوم مثبت می دهد. مثال:

He is old enough to go to school.

او به اندازه کافی بزرگ شده که به مدرسه برود.

It was warm enough to go to school.

به اندازه کافی هوا گرم شده که بتوانیم به مدرسه برویم.

### ☑ کاربرد too :

too قبل از صفت به معنی (خیلی، آنقدر زیاد) بوده و به جمله مفهوم منفی می دهد. مثال:

The water is too cold.

آب آنقدر سرد است ( که نمی توان در آن شنا کرد)

I can't drink this tea. It's too hot.

نمی توانم این چای را بنوشم. خیلی داغ است.

توجه : too معمولاً بصورت زیر نیز بکار می رود:

The water is too cold **to** swim.

The tea is too hot **to** drink.

## 👉 Vocabulary.

### sew:

sew /sou/

دوزندگی، دوختن

to use a needle and thread to make or repair clothes or to fasten something such as a button to them

- *I learned to sew at school.*

### knit:

knit /nit/

بافتندگی، بافتن

to make clothing out of wool, using two knitting needles

- *My grandmother taught me how to knit.*
- *She's knitting a sweater.*

### paint:

paint /peint/

رنگ آمیزی، نقاشی

to put paint on a surface, to make a picture, design etc using paint

- *A white cross was painted on the door.*
- *Turner is famous for painting landscapes.*

### draw:

draw /drɔ:/

کشیدن، رسم کردن

to produce a picture of something using a pencil, pen etc

- *She asked the little girl to **draw a picture** of the man she'd spoken to.*
- *I've never been able to draw very well.*

### play (violin):

play /pleɪ/

نواختن با آلات موسیقی

to perform a piece of music on a musical instrument

- *He's learning to play the piano.*
- *Haden has played with many jazz greats.*

### fix (car):

fix /fɪks/

تعمیر ماشین

to repair something that is broken or not working properly

- *He's outside fixing the brakes on the car.*
- *Ellis was able to quickly find and fix the problem.*

## Unit 14: Past, Present, and Future Plans.

### Grammar.

☑ کاربرد **would** در جملات پرسشی مودبانه :

**would** در جملات پرسشی جهت درخواست مودبانه بکار می رود.  
مثال :

Would you buy me a ticket?

ممکن است خواهش کنم برای من یک بلیط بخرید

Yes, of course. بله - حتما

**will you** نیز مانند **would** جهت درخواستهای مودبانه بکار می رود. مثال :

Will you buy me a ticket?

ممکن است خواهش کنم برای من یک بلیط بخرید

Yes, of course. بله - حتما

**would you like** جهت تعارف کردن چیزی بکار می رود.  
مثال :

Would you like a cup of tea?

یک فنجان چایی میل دارید

Yes, I would like. بله - حتما



## ☑ کاربرد be going to در زمان آینده ساده :

be going to (به معنی قصد داشتن) برای بیان تصمیم و برنامه ریزی در زمان آینده نزدیک (بصورت پیش بینی شده) بکار می رود.

مثال:

She is going to buy a new coat for winter.

او قصد دارد تا برای زمستان کت جدیدی بخرد - تصمیم

Look at the dark clouds. It's going to rain.

به ابرهای تیره نگاه کن. بزودی باران خواهد بارید - پیش بینی

I studied hard. I'm going to get a good grade.

من سخت مطالعه کرده ام. نمره خوبی خواهم گرفت - برنامه ریزی

در این ساختار be فعل کمکی می باشد. بنابر این برای ساختن جمله منفی باید not را به آن اضافه نماییم و در ترکیبات پرسشی می بایست be را به ابتدای جمله بیاوریم. (به یاد داشته باشید که be بصورت am , is , are ظاهر می شود.)

She is not going to buy a new coat for winter.

Are you going to study architecture?

**توجه :** برای بیان مواردی که در گذشته قصد انجام آنرا داشته ایم ولی انجام نشده باشد، می توان از حالت گذشته be going to استفاده نمود.

مثال:

She was going to see you, but she couldn't.

او قصد داشت که به دیدن تو بیاید، ولی نتوانست.

### ☑ کاربرد will :

will برای بیان آینده دور و همچنین بیان حقایق، یا بیان مواردی

که بدون پیش بینی در آینده اتفاق خواهد افتاد بکار می رود.

مثال :

The film will start at 8 PM.

فیلم ساعت هشت بعد از ظهر شروع خواهد شد - حقایق

It was hot yesterday. It'll be hot today.

دیروز گرم بود. امروز گرم خواهد بود - حقایق

What will you do five years later?

پنج سال آینده چه کار خواهید کرد؟ - آینده دور

در این ساختار will فعل کمکی می باشد. بنابراین برای ساختن

جمله منفی باید not را به آن اضافه نماییم و یا برای جملات

پرسشی می بایست will را به ابتدای جمله بیاوریم.

توجه : won't صورت مخفف will not است.

The film won't start tomorrow

### ☑ جملات شرطی :

در زبان انگلیسی جملات شرطی از دو قسمت if-clause (شرط) و main-clause (پاسخ شرط) تشکیل می گردند. به عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید توجه نمایید. در این عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی جمله شرطی (if clause) و عبارت به جوش می آید پاسخ شرط (main clause) خواهد بود.

### ☑ کاربرد جملات شرطی حقیقی :

جملات شرطی حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیانگر یک واقعیت کلی بوده و همواره صحیح می باشند. مانند: (اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید)  
جملات شرطی حقیقی بصورت زمان حال ساده در هر دو قسمت (شرط) و (پاسخ شرط) نوشته می شود. مثال :

If you heat water to 100C, it boils.

If there is something good on, I usually stay in and watch TV.

### ☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول:

جملات شرطی غیر حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیان آن با احتمال همراه است. جملات شرطی غیر حقیقی به سه نوع جملات شرطی نوع اول، نوع دوم و نوع سوم تقسیم می شوند.

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید.  
مثال:

If I have time, I will phone you.

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد

ساختار جملات شرطی نوع اول بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ در زمان آینده ساده , جمله شرط در زمان حال ساده  
مثال :

If he studies hard, he will pass the exam.

اگر به سختی درس بخواند در آزمون قبول خواهد شد.

If I have time, I'll finish the homework this afternoon.

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعد از ظهر تمام خواهم کرد

همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را بصورت زیر نیز بکار برد:

جمله شرط در زمان حال ساده if جمله پاسخ در زمان آینده ساده  
مثال :

He will pass the exam if he studies hard.

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند.

I'll finish the homework this afternoon if I have time.

تمریناتم را این بعد از ظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم.

## 📖 Vocabulary.

### architecture:

ar·chi·tec·ture / 'ɑ:rkɪtektʃər/

معماری

the art and practice of planning and designing buildings

- *He studied architecture at university.*

### medicine:

medi·cine / 'medɪsən/

دارو شناسی و درمان دارویی

the treatment and study of illnesses and injuries

- *She studied medicine at John Hopkins University.*
- *the remarkable achievements of **modern medicine***

### psychology:

psy·chol·o·gy /saɪ'k ɑ:lədʒi /

روان شناسی

the study of the mind and how it influences people's behaviour

- *experts in the field of developmental psychology*

**business:**

busi·ness / 'bɪznɪs/

تجارت

the activity of making money by producing or buying and selling goods, or providing services

- *Students on the course learn about all aspects of business.*

**education:**

ed·u·ca·tion / ,edʒə 'keɪʃən/

آموزش

the process of teaching and learning, usually at school, college, or university ,the teaching of a particular subject

- *health education*

**mathematics:**

math·e·mat·ics / ,mæθɪ'mætɪks/

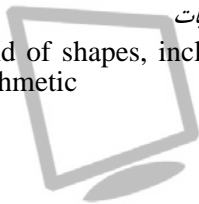
ریاضیات

the science of numbers and of shapes, including algebra, geometry, and arithmetic

- *new mathematics*

**science:**

sci·ence / 'saɪəns/



the study of science

- *What did you do in science class today?*
- *the physical sciences*

### **nursing:**

nurs·ing / 'nɜːr sɪŋ/

پرستاری

the job or skill of looking after people who are ill, injured, or old

- *the nursing profession*
- *I'd love to go into nursing.*

### **engineering:**

en·gi·neer·ing /,endʒɪ'nɪrɪŋ/

مهندسی

the work involved in designing and building roads, bridges, machines etc

- *civil engineering*

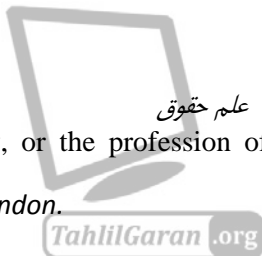
### **law:**

law /lɔː/

علم حقوق

law as a subject of study, or the profession of being a lawyer

- *She's studying law in London.*



### منابع و مراجع

- Joan Saslow & Allen Ascher, Top Notch Fundamentals , Pearson Longman 2006
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3<sup>rd</sup> Edition, Cambridge University Press 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Dictionary, TahlilGaran 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Elementary, TahlilGaran 2010





## آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

# تحلیکر

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارتهای زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی آموزشگاه مراجعه

[www.PersianVi.com](http://www.PersianVi.com)

نمایید: TahlilGaran

# TahlilGaran

Distance Learning English Courses

## Top Notch Fundamentals

■ Vocabulary ■ Grammar

شاپک : ۵-۲۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

دوره : ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸



تهران - میدان ونک - خیابان گاندی هجدهم - پلاک ۱۸ - واحد ۲ تلفن : ۸۸۸۷۳۷۱۸

پست الکترونیک : [info@PersianVi.com](mailto:info@PersianVi.com)

سایت اینترنت : [www.PersianVi.com](http://www.PersianVi.com)

قیمت : ۲۵۰۰ تومان